

FACT
FAKE



طرح درس
«هوش عنکبوتی»



وزارت
آموزش
و
تربیه
و
تکنولوژی
مطالعات

وزارت آموزش و پرورش
معاونت پرورشی و فرهنگی



مرکز تحقیقات
آموزشی و
تربیتی
معاونت
پرورشی و
فرهنگی
سال ۱۳۹۲

اسماء
والعلاء

۳ طرح درس زمین سوخته

مقدمه

زمین سوخته چیست؟

پیشینه‌ی تاریخی

زمین سوخته و مدیریت توحش

زمین سوخته باهدف پاکسازی نژادی

زمین سوخته‌ی محیط زیست

تمرین‌های فکری و مهارتی

۱۴ طرح درس غصب و اشغال

مقدمه

اشغال، استعمار مداوم

چرا اشغالگری؟ چرا اسرائیل؟

استراتژی تدریجی

هویت صهیونیست

روز نکبت

تمرین‌های فکری و مهارتی

۲۳ طرح درس مهاجرت و اسکان

مقدمه

سرقت بزرگ

دروغ بزرگ

فلسطین، ملتی ریشه دار

صهیونیست، سقوط به چاه تاریخ

بازگرداندن یهودیان

شهرک سازی

تمرین‌های فکری و مهارتی

۳۲ طرح درس اتحاد پیرامونی

مقدمه

اتحاد پیرامونی، تنها راهکار

عصر انزوا

مثلث متحدین

آشتی با ملت‌های عرب

آذربایجان، متحد جدید اسرائیل

تمرین‌های فکری و مهارتی

طرح درس
زمین سوخته

مقدمه

اگر اهل بازی های رایانه ای آن هم از نوع تفنگی و جنگی باشید حتماً برایتان پیش آمده که در قسمتی از بازی و بعد انجام کلی مأموریت و تسخیر تمامی برجک ها و بعد از نفوذ به قلب دفاعی دشمن و همچنین نابودی کامل آن ها، آن هم به صورت مخفیانه در انتهای مرحله باید تمامی تأسیساتی که توانسته ای به دست بگیری را تخریب کنی و بروی. این عمل در نبردهای نظامی واقعی هم بارها اتفاق افتاده است به نظر شما چرا باید وقتی یک مجموعه کامل از امکانات دشمن را در دست گرفته ایم، به جای استفاده، آن ها را نابود کنیم و برویم؟

▣ مربی نظرات دانش آموزان را بپرسد و راجع به تجربیات متشابه ایشان در بازی های مختلف صحبت کنند و بعد توضیحات زیر را ارائه دهد.

نابود کردن امکانات و منابع دشمن، به خاطر دنبال کردن یک استراتژی نظامی که زمین سوخته نام دارد. این استراتژی معمولاً در مواقعی اعمال می شود که افراد یا نیروهای دفاعی تصمیم می گیرند با تخریب منابع، امکان استفاده از آن ها را برای دشمن محدود کنند.

▣ مربی بعد از شرح اهمیت و ارزش منابع طبیعی و زیرساخت های فناوری در هر کشور، استراتژی زمین سوخته را تعریف نموده و سعی کند با شرح آثار منفی اجرای این استراتژی برای طرف مقابل در جنگ، ساختار ذهنی و کلی نسبت به راهبرد نظامی زمین سوخته برای دانش آموزان به وجود بیاورد.

پیشنهاد می شود برای آموزش جذاب تر مربی با ترسیم نقشه ی دو کشور فرضی؛ جایگاه منابع و زیرساخت های ارزشمند یک کشور را مشخص کند و با ارائه داستانی مرتبط، یک نبرد نظامی را در ذهن دانش آموز ترسیم کند که در طی آن، طرف مقابل از استراتژی زمین سوخته استفاده کرده و شرح دهد که کشور ثروتمندتر چگونه برای پیشبرد اهداف نظامی خود با مشکل روبرو می گردد.

زمین سوخته چیست؟

منابع طبیعی در هر کشور از دید راهبردی و مدیریتی حکومت‌ها به‌عنوان ثروت به حساب می‌آیند و حتی گاهی جنگ‌ها و کشورگشایی‌ها با انگیزه دستیابی به این منابع به وجود می‌آید. محبوب‌ترین این منابع در سال‌های اخیر نفت بوده است. ماده‌ای ارزشمندی که طلای سیاه نامیده شده و ارزشش بر هیچ‌کس پوشیده نیست؛ اما آب، پوشش گیاهی، سازه‌ها و بناها و جاده‌ها، تسلیحات، امکانات و زیرساخت‌های ارتباطی، جمعیت و نیروی کار نیز در هر جغرافیایی ثروت به‌شمار می‌آید. گاهی در طی یک جنگ به مرزهای یک کشور نفوذ می‌شود و تمام منابع ارزشمند موجود در آن سرزمین در دسترس دشمن قرار می‌گیرد و بعضاً هم مورد استفاده قرار می‌گرفته؛ اما بعضی اوقات به تناسب شرایط نظامی که حفظ و بهره‌بری از این منابع و ثروت‌ها برای نیروی مهاجم ممکن نیست. نیروی مهاجم مطابق با یک استراتژی قدیمی نظامی می‌تواند این منابع را نابود کند تا با نابودی یا تخریب این منابع، دشمن مجبور به تأمین منابع و نیازمندی‌های خود از مناطق دیگری بشود و همین کار می‌تواند هزینه‌ها و زمان پیشروی او را افزایش دهد. به این استراتژی زمین سوخته می‌گویند.

امروزه کاربرد و هدف اصلی این استراتژی زمین سوخته، ایجاد تلفات و خسارات بزرگ در دشمن و محدود کردن قدرت نفوذ و پیشروی آن‌ها در مناطق مورد نزاع است؛ البته با پیشرفت فناوری‌ها نظامی و اطلاعاتی امکان نابودسازی این منابع حتی بدون نفوذ در سرزمین دشمن هم امکان‌پذیر است و فرآیندها و اهداف متفاوتی در اجرای استراتژی زمین سوخته به کار گرفته می‌شود که همه آنها منتج به تضعیف و پدیدار شدن آثار منفی در صفوف و امکانات دشمن است که به مرور آنها می‌پردازیم.

۱. **تضعیف دشمن:** با تخریب منابع اقتصادی و زیرساخت‌ها، دشمن ممکن است در توانایی مالی و نظامی خود کاهشی تجربه کند. این می‌تواند به کاهش قدرت حمله و پیشروی دشمن منجر شود.

۲. **افزایش هزینه‌های دشمن:** با تخریب منابع و زیرساخت‌های دشمن، هزینه‌های بازسازی و تعمیر آن‌ها افزایش خواهد یافت که ممکن است دشمن را به حملات و تجاوزها کمتری ترغیب کند.

۳. **جلوگیری از پیشروی دشمن:** اگر دشمن به تنهایی از یک منطقه به منطقه دیگر پیشروی می‌کند، تخریب زیرساخت‌ها و منابع می‌تواند توقف یا کاهش پیشروی او را تا حدودی تأخیر دهد.

۴. **خود حفاظت:** در صورتی که منابع و زیرساخت‌های منطقه در دسترس دشمن باشند، استفاده از استراتژی زمین سوخته می‌تواند از تأمین منابع برای دشمن جلوگیری کند و توانایی دشمن در حمله را کاهش دهد.

۵. **تمرکز نیروها:** در صورتی که منابع و زیرساخت‌های منطقه در دسترس دشمن باشند، استفاده از استراتژی زمین سوخته می‌تواند از تأمین منابع برای دشمن جلوگیری کند و توانایی دشمن در حمله را کاهش دهد.

۶. **تأخیر عملیات دشمن:** در صورتی که منابع و زیرساخت‌های منطقه در دسترس دشمن باشند، استفاده از استراتژی زمین سوخته می‌تواند از تأمین منابع برای دشمن جلوگیری کند و توانایی دشمن در حمله را کاهش دهد.

□ در این سرفصل مربی با بررسی نمونه‌های تاریخی اجرای شده‌ی راهبرد زمین سوخته، شرایط ارتش‌های آسیب‌دیده را با استفاده از مطالب فوق برای دانش‌آموزان تشریح کند.

پیشینه‌ی تاریخی

استفاده از این استراتژی پیشینه‌ی در تاریخ باستان دارد، اولین نمونه ثبت‌شده از این استراتژی، در سکا باستان رخ داده است که اکنون در جنوب سیبری است. سکا‌های باستان به جنگ امپراتوری هخامنشی ایران که تحت کنترل داریوش بزرگ بود رفتند. آن‌ها با توجه به شکستی که از ارتش ایران خوردند، کلیه منابع و آذوقه خود را نابود کردند تا به دست ارتش ایران نیفتند. در تاریخ جنگ‌های سال‌های اخیر نیز بارها شاهد استفاده کشورها از این روش بوده‌ایم.

۱. ناپلئون در جنگ علیه روسیه ۱۸۱۲: در جنگ ناپلئون علیه روسیه، ناپلئون فرمان داد منابع و زیرساخت‌هایی را که به دست دشمن افتاده بودند را نابود کند و بخصوص وقتی دشمن به مسیر بازگشت مجبور می‌شد. این منابع شامل غذا، اسب‌ها، وسایل نقلیه و زیرساخت‌های صنعتی بود. این استراتژی باعث تحت تأثیر قرار گرفتن نیروهای ناپلئون شد و در نهایت به شکست ارتش او در این جنگ کمک کرد.

۲. جنگ داخلی آمریکا ۱۸۶۱-۱۸۶۵: در طول جنگ داخلی آمریکا، نیروهای اتحادیه در زمینه‌هایی که قرار بوده به دست نیروهای کنفدراسیون بیافتند، معمولاً به تخریب و آتش زدن تجهیزات و منابع اقتصادی پرداختند. این اقدامات به منظور محدود کردن توانایی کنفدراسیون برای پشتیبانی از ارتش خود و تضعیف اقتصاد آن‌ها انجام می‌شد.

۳. جنگ جهانی دوم ۱۹۳۹-۱۹۴۵: حین پیشروی آلمان نازی به شرق در جنگ جهانی دوم، نیروهای نازی این استراتژی را در کشورهایی مانند شوروی اجرا کردند. آن‌ها زیرساخت‌ها، منابع صنعتی و تولیدی را نابود کردند تا از توانایی شوروی برای مقابله با حملات آلمان جلوگیری کنند.

۴. جنگ ویتنام ۱۹۵۵-۱۹۷۵: در طول جنگ ویتنام، هر دو طرف از استراتژی زمین سوخته برای محدود کردن توانایی دشمن در استفاده از منابع و پایگاه‌های عملیاتی استفاده کردند. آمریکا و نیروهای آمریکایی نیز منابع و زیرساخت‌هایی را در مناطق روستایی و کشاورزی نابود می‌کردند تا جلوی حملات و نفوذ نیروهای ویتنامی شماره یک را بگیرند.

□ بعد از اینکه مربی با مرور مثال‌های تاریخی این استراتژی دانش آموزان را با طریقه مستقیم اجرای این راهبرد نظامی آشنا کرد، در دو سرفصل پیش رو دانش آموزان را با طریقه های مدرن تر اجرای این استراتژی آشنا می کند و راجع به استفاده از این راهبردها در مسائل نظامی نظرات و دیدگاهشان را بپرسد و در مورد راهبردهای غیرانسانی درنبرد نظامی با دانش آموزان گفتگو کند.

پیشنهاد می شود مربی در با اجرای نمایشی نامحسوس، دانش آموزان را با مدیریت ترس آشنا کند. به این صورت که قانونی اشتباه در کلاس وضع کند که اعتراض دانش آموزان را به دنبال داشته باشد و در مرحله بعد مربی تمامی معترضان را به نحوی تنبیه و جریمه کند تا دیگرکسی اعتراض نکند و بعد قانونی دیگر وضع کند. سپس با شرح تأثیر ترس از جریمه و اعتراض نکردن مدیریت توحش را آموزش دهد.

زمین سوخته و مدیریت توحش

امروزه از ادغام استراتژی زمین سوخته و علم سیاست، شاهد اجرای این راهبرد نظامی به اشکال مختلفی هستیم. سیاست ها نظامی که گاهی در اداره کشورها به کار گرفته می شود در عمل چهره ای غیرانسانی و ناجوانمردانه دارد که یکی از آن‌ها القای ترس و وحشت مستمر به شهروندان مخالف از سوی گروه حاکم برای ساکت نگه داشتن آن هاست. مدیریت اذهان عمومی به وسیله ترس و وحشت، به گونه ای که برای هیچ کسی انگیزه هرگونه مخالفت و اقدامی باقی نماند و این نوعی استفاده از استراتژی زمین سوخته است. زمانی که طالبان در دهه نود میلادی سیطره نظامی - سیاسی خود را در بخش‌هایی از افغانستان گسترانده بودند، از این نوع استراتژی در کابل و قسمت‌هایی از شمال کشور استفاده کردند تا از یک سو منابع و امکانات مادی - معنوی مخالفان خود را تخریب کنند و از دیگر سو ترس و وحشت را به مردم القا کنند تا کسی یارای مقاومت و مبارزه در برابر آن‌ها را نداشته باشد.

استراتژی ای که به نظر می رسد استخبارات پاکستان و گرداننده گان جنگ افغانستان آن را

برای جنگ‌جویان طالبان آموزش دادند تا از مقاومت مردمی را جلوگیری کنند و امکانات دولت اسلامی مجاهدین را در کابل از بین ببرند. به آتش کشیدن تاکستان‌های شمالی و تخریب هزاران هکتار زمین، کوچ اجباری، تخریب اماکن عمومی و تأسیسات عام‌المنفعه و ترورهای مبهم برای ایجاد ترس از مولفه‌های اساسی این استراتژی است.

لذا ابوبکر ناجی مدیریت توحش و ایجاد ترس دوام‌دار و خشونت‌های گسترده را یکی از اولویت‌های گروه‌های تروریستی برای به دست گرفتن اذهان عامه می‌دانست؛ رویکردی که به دشمن فشار نظامی و روانی گسترده وارد می‌کند و از مصادیق سیاست زمین سوخته است که توسط طالبان حدوداً بیست سال پیش به اجرا گذاشته شد!

در این سرفصل علاوه بر پیشبرد مبحث درس، در شرح سیاست‌های نظامی و غیرانسانی، به دیدگاه و اهداف نظامی اسرائیل می‌پردازیم که با نیت و هدفی خاص از استراتژی زمین سوخته استفاده می‌کند.

■ بهتر است قبل از آموزش این مبحث مربی چند قانون و قطعنامه از سازمان ملل که در مورد قوانین جنگ در مورد هدف قرار ندادن غیرنظامیان و بیمارستان‌ها، همچنین لزوم قانونی امدادرسانی بر مجروحین تدوین شده برای دانش‌آموزان قرائت کند تا آشنایی کلی با هنجارهای انسانی نبردهای نظامی به وجود بیاید.

زمین سوخته باهدف پاک‌سازی نژادی

امروزه از سناریوی زمین سوخته توسط اسرائیل استفاده می‌شود. شواهدی از اقدامات نظامی و غیرانسانی رژیم صهیونیستی موجود است که می‌شود گفت این اعمال باهدف ارباب و ایجاد وحشت نشان انجام شده است اما باکمی تحقیق روی دیگر حقیقت عیان می‌شود. حقایقی که بیان می‌دارد استفاده از این استراتژی نه تنها به هدف ارباب بلکه با قصد پاک‌سازی قومی و نژادی فلسطین است؛ یعنی استفاده از زمین سوخته به قصد نابودی حقیقی و نسل‌کشی ساکنان اصلی منطقه نه فقط برای جلوگیری از تحرکات نظامی مبارزان حماس. به‌طورکلی پاک‌سازی قومی تلاشی برای ایجاد یک فضای جغرافیایی قومی همگون است.

اخراج یک گروه نژادی، قومی یا مذهبی خاص با استفاده از نیروی مسلح، ارباب، انتقال اجباری، آزار و اذیت، یا با محو کردن ویژگی‌های فرهنگی، زبانی و قومیتی یا انحلال آن در محیط قومی در مجموع در قالب پاک‌سازی قومی تعریف می‌شود.

متوقف شدن ورود آب و غذا به غزه از ۹ اکتبر، تخریب عمدی زیرساخت‌های حیاتی غزه یعنی ۶ چاه آب و ۳ ایستگاه تأمین آب شرب، بمب‌ریزی‌های کورکوران بر سر غیرنظامیان و کودک‌کشی گسترده با آمار کشته‌ی ۱۳۳ نوزاد زیر ۱ سال و در مجموع ۴۴۴ نوزاد زیر ۳ سال و همین‌طور حمله به بیمارستان‌ها و جلوگیری از ورود کامیون‌های دارویی و پزشکی^۲ همه شواهدی هستند که بیانگر نیت حقیقی سران رژیم صهیونیستی است. دکتر «یوسف جبرین»، با بررسی «قانون دولت ملی و برتری یهود» به‌عنوان یک سیاست جدید در رژیم اسرائیل، پاک‌سازی قومی در طول تاریخ این رژیم را تأیید کرده است. دکتر جبرین قانون یادشده را نشان‌دهنده تبعیض عمیق بین یهودیان و فلسطینیان در مناطق اشغالی توصیف می‌کند. قانونی که به‌صورت رسمی تبعیض بین یهودیان و فلسطینیان در اسرائیل را در حوزه‌های نمادین مانند تعریف دولت و نمادهای آن و ساختارهای رسمی آشکارا نشان می‌دهد.

پاک‌سازی قومی فلسطین در اوایل دسامبر ۱۹۴۷ با تعدادی از یهودیان آغاز شد. حملات به روستاهای عرب‌نشین در پاسخ به اعتراضات فلسطینی‌ها علیه تصمیم سازمان ملل نمونه‌ای از خشونت برای پاک‌سازی قومی فلسطینی‌ها در آن سال بود. اگرچه این حملات اولیه پراکنده بودند، اما بسیار خشونت‌آمیز بودند و باعث تبعید تعداد زیادی از فلسطینی‌ها (حدود ۷۵ هزار نفر) شد. برخی از داوطلبان عرب با نیروهای یهودی درگیر شدند، اما در این درگیری‌ها، نیروهای یهودی روستاهای فلسطینی را با فشار نظامی اشغال می‌کردند و این روند اشغال روستاها به آوارگی حدود یک‌چهارم از جمعیت میلیونی فلسطین در آن زمان از خانه‌های خود منجر شد. در این رژیم دانش‌آموزان از ابتدا برای موضوعات نظامی آموزش می‌بینند و در همه مقاطع تحصیلی قبل از هر چیز باید یک سرباز نظامی باشند. بن‌گوریون می‌گوید: «شهروندان اسرائیل سربازانی هستند که ۱۱ ماه از سال را به‌مرخصی می‌روند. در اسرائیل چیزی به‌نام شهروند غیرنظامی وجود ندارد!»^۳

□ در این سرفصل با نگاهی ضد جنگ آثار منفی جنگ، به‌ویژه استراتژی زمین سوخته را بر محیط زیست بررسی می‌کنیم. پیشنهاد می‌شود در طی توضیح این سرفصل برای تأثیر بیشتر مطالب، با تمثیلی جذاب مردم حال حاضر جهان را به‌عنوان دشمن جنگی نسل آینده معرفی کنید که با جنگ افروزی و سبک زندگی خود و نابودی منابع طبیعی، در حال اجرای استراتژی زمین سوخته هستند تا نسل آینده در زمینی بدون ثروت و به‌سختی زندگی کند.

زمین سوخته‌ی محیط زیست

به کار بستن این استراتژی به هر شکل و طریق می‌تواند باعث تخریب بی‌رویه منابع طبیعی، جنگل‌ها، مزارع، منابع آب و غیره شود که اثرات بلندمدت و مخربی بر محیط‌زیست دارد. همچنین می‌تواند با تخریب منابع غذایی، زیرساخت‌های اقتصادی و بخش‌های زیربنایی باعث تبعیض و فقر بیشتر در جامعه محلی شده و حتی باعث عدم تعامل مثبت مردم با دولت یا نیروهای نظامی شود که همین مسئله موجب ضرر اقتصاد منطقه نیز می‌گردد و میزان خسارت‌ها برای جامعه بیشتر می‌شود. مشکلاتی که با تخریب زیرساخت‌ها صورت می‌گیرد و ادامه‌دار خواهد بود و ممکن است به افت نهادهای اقتصادی و تولیدی، افزایش بیکاری و کاهش اقتصاد کلان و تأثیرات منفی جدی بر روی توسعه پایدار و توانمندی‌های آینده در منطقه بیانجامد و نسل‌های دیگر را هم درگیر مشکلات می‌کند.

اما مهم‌ترین تأثیر منفی که ممکن است گریبان گیر هر دو طرف درگیری هم بشود، نابودی محیط زیست است. به‌طورکلی جنگ نظامی با هر استراتژی محیط زیست را تخریب می‌کند. با این حال، بیشتر آسیب‌های زیست محیطی از جنگ به‌صورت تصادفی به وجود می‌آید. به‌عنوان مثال، حملات علیه اهداف نظامی اغلب سبب آسیب زیست محیطی و فعالیت‌های پایدار جنگ مانند شکار کردن پنهانی سبب آسیب‌های غیرقابل جبران زیست محیطی می‌شود. در جنگ داخلی ۱۵ ساله در موزامبیک، پارک ملی گورونگوزا بیش از ۹۰ درصد از حیوانات خود را از دست داد. جمعیت بوفالو آفریقا از ۱۴ هزار تا ۱۰۰ عدد کاهش یافته و جمعیت کرگدن‌ها از ۳۵۰۰ به ۱۰۰ عدد رسیده است.

جمعیت فیل‌ها از ۲۰۰۰ تا ۲۰۰ کاهش یافته، چراکه گوشت فیل‌ها برای تغذیه سربازان و عاج آن‌ها برای تأمین مالی خرید سلاح، مهمات و منابع جنگی مورد استفاده غیرقانونی قرار گرفت. مخرب‌ترین نوع جنگ که بمباران هوایی است که بر اساس سیاست زمین سوخته صورت می‌گیرد. به عنوان مثال در جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ چنین اقدامی اثرات فاجعه باری به وجود آورد که زمین‌های اطراف خلیج فارس به ویژه در منطقه کویت به طور جدی خسارت دید. استفاده از ماشین‌آلات سنگین و زباله‌های نظامی نیز منجر به آلودگی زمین در طول جنگ می‌شود.^۴

همچنین اسرائیل و فلسطین در منطقه‌ای تحت فشار آبی قرار دارند که در حال حاضر اثرات تغییرات آب و هوایی را احساس می‌کند. پیش‌بینی می‌شود دما بین ۱/۲ تا ۲/۶ درجه سانتی‌گراد تا سال ۲۰۵۰ افزایش یابد و تا سال ۲۱۰۰ تا ۴/۸ درجه سانتی‌گراد افزایش یابد. در عین حال، میانگین بارندگی ماهانه در این منطقه ممکن است تا پایان سال ۸ تا ۱۰ میلی‌متر کاهش یابد. آلودگی سفره‌های زیرزمینی که غزه به آن متکی است همچنان در حال افزایش است. فاضلاب خام و تصفیه نشده نیز تهدید دیگری برای خاک و مناطق کشاورزی به شمار می‌رود.^۵ به طور کلی با دقت نظر به اوضاع اقلیمی و شرایط اکوسیستمی دنیا، امروزه شروع کردن و ادامه دادن هر جنگ نظامی به نوعی اجرای سیاست زمین سوخته در قبال نسل آینده است.

۴- روزنامه شهروند ۱۳۹۸/۳/۲۲

۵- خبرگزاری فارس ۱۴۰۲/۷/۹

تمرین های فکری و مهارتی

- از دانش آموزان بخواهید با بررسی نمونه های تاریخی زمین سوخته، آثار منفی به وجود آمده در اثر اجرای این استراتژی را شرح دهند.
- از دانش آموزان بخواهید طی یک نمایش، استراتژی زمین سوخته را به تصویر بکشند.
- دانش آموزان توضیح دهند اتخاذ چه راهبردهایی در جنگ غیرانسانی است. چرا؟
- دانش آموزان در طی یک تحقیق آثار منفی یک جنگ بر طبیعت منطقه را شرح دهند.

طرح درس
غصب و اشغال

مقدمه

تا به حال موقع باغبانی و هرس کردن گیاهان باغچه به پدر و مادر خود کمک کرده اید؟ یا هنگامی که باغبان در پارک و طبیعت به وضعیت گل ها و گیاهان رسیدگی می کند کارهایش را با دقت تماشا کرده اید؟ یکی از مهم ترین اقداماتی که برای حفظ سلامت گل ها و گیاهان ضروری است چیدن علف های خودرو یا علف هرز است. علف هایی که خودشان جوانه می زنند و خیلی سریع رشد می کنند.

این موجودات با اینکه هیچ آسیب مستقیمی به گیاهان نمی زنند اما وجودشان برای سلامت ساکنان باغچه یا گلدان مضر است. چراکه با مصرف آب و مواد مغذی درون خاک شرایط مساعد رشد سالم گیاهان را از بین می برند و حتی بعد از رشد از مانع از رسیدن هوا و نور کافی به گیاهان شده و باعث پژمردگی می شوند. این علف ها نوعی آفت به حساب می آیند و هر باغبانی به محض دیدن جوانه های علف هرز آن را می چیند تا به گیاهان آسیبی نرسد.

یک سیاست استعماری وجود دارد که دقیقاً الگو گرفته از سبک زندگی علف هرز است. آرام و بی دردسر درجایی ساکن شدن، رشد کردن تدریجی با استفاده از ثروت و منابع و از بین بردن صاحب اصلی و بعد معرفی کردن خود به عنوان مالک حقیقی آن سرزمین. این سیاست غصب و اشغال نام دارد و اسرائیل با اتخاذ همین سیاست با تحمیل جنگی به مدت یک قرن، توانسته فلسطین را به اشغال خود در بیاورد.

▣ پیشنهاد می شود مربی برای مشارکت بیشتر و درک بهتر استراتژی غصب و اشغال با دانش آموزان یک نمایش ترتیب بدهند. در طی این نمایش خانواده ای را می بینم و یک مهمان ناخوانده که با تملق و به زور وارد خانه می شود. روزهای بعد با بهانه جویی خانه را ترک نمی کند و با نقشه های مختلف اعضای خانواده را یکی یکی از خانه بیرون می کند. اجرای جذاب این سناریو، می تواند آمادگی ذهنی مناسبی برای درک مطالب این درس فراهم کند.

□ قبل از شروع سرفصل بعد پیشنهاد می شود مربی با به چالش کشیدن اطلاعات تاریخی دانش آموزان، امپراتوری های بزرگ تاریخ را نام برده و خدمات، آبادانی و پیشرفت ها یا ظلم ها و ویرانه هایی که از آن ها به جامانده را بررسی کنند و تحلیل خود را از علت هر یک از این آثار مثبت یا منفی ارائه بدهند.

اشغال، استعمار مداوم

همیشه در جهان کشورهای قدرتمندی وجود داشته اند که با استفاده از قدرت خود و وسیع کردن مرزهای کشور خود، علاوه بر دیکته کردن قدرت خود به کشورهای دنیا؛ با دستیابی به منابع و ثروت دیگر سرزمین ها، ثروتمندتر و قوی تر شده و سلطه خود را در دنیا حفظ می کردند. قدرت هایی که هرکدام با تأسیس امپراتوری عظیم نام خود را در صفحات تاریخ حک نمودند. برخی از امپراتوری های در تلاش برای رشد و آبادی سرزمین ها بودند و بعضی ظالم، مستبد و به دنبال تأمین مقاصد و آمال خود به استعمار دیگر کشورها می پرداختند.

بعد از وقوع انقلاب صنعتی و قدرتمند شدن کشورهای اروپایی در سده هجدهم و نوزدهم میلادی کشورهای روسیه و انگلیس و فرانسه تبدیل به ابرقدرت های دنیا شدند. کشورهایی که خودشان استعمارگر بودند اما برای ظهوری کشوری جدید در سرزمین های تحت سلطه خود از گروهی خاص حمایت می کردند. گروهی که استراتژی جدیدی از استعمار را دنبال می کردند. یهودیانی که با اتخاذ سیاست غصب و اشغال به دنبال تأسیس کشوری یکپارچه برای خود بودند.

این استراتژی با اسکان تدریجی و مهاجرت تیمی برخی از یهودیان آغاز شد. گروهی که با خرید زمین و ملک در حقیقت قلمرویی ابتدائی برای خود ترتیب می داند و در ادامه با جنگ و کشتار مردم محلی در قالب گروه های تروریستی و ارتش این قلمرو هرروز گسترش می یافت تا امروز که در سایه حمایت ابرقدرت ها کشوری به وجود آمده است که بیش از هفتاد درصد فلسطین را به نام خود سند زده و بر کرانه باختری هم تسلط دارد.

تفاوت استراتژی اشغالگری با استعمار آنجاست که کشورهای استعمارگر همه بعد از چپاول ملت های تحت سلطه و اعتراضات و شورش ساکنان به سرزمین های خود برمی گشتند، مانند انقلاب مردم هند که باعث خروج نیروهای انگلیسی شد؛ اما اشغالگران باهدف زندگی دائمی و تأسیس کشوری جدید، درصدد قتل عام و نابودی ساکنان محلی برمی آیند؛ مانند امریکا که بعد از جنگ های داخلی مستمر و نابودی حداکثری بومیان آن سرزمین جمهوری خود را پایه گذاری کردند.

■ با مرور تمرین گذشته مربی به دانش آموزان توضیح دهد که نوع حکومت هر امپراتوری بر کشورهای دنیا، رابطه مستقیمی با رشد اجتماعی و پیشرفت تمدن دارد. به عنوان مثال مغول ها که بربر، نامتمدن و وحشی به حساب می آمدند خرابی به بار آوردند ولی امپراتوری های اسلامی و هخامنشی که برخوردار از تعالیم ادیان الهی بودند، زمینه رشد و آبادانی کشورهای تحت سلطه خود را فراهم کردند.

این آگاهی بخشی از این جهت مورد اهمیت است که در سرفصل آتی با ریشه یابی حرکت اشغالگرانه صهیونیست به عقاید دستکاری شده این قوم برمی خوریم که یکی از علل اصلی این توحش به شمار می رود.

چرا اشغالگری؟ چرا اسرائیل؟

ریشه کن سازی ساکنان فلسطین و کوچ اجباری آنان به هر شیوه ممکن، اهداف بلندپروازانه و بلندمدت اسرائیل است که بخش از خاورمیانه را در برمی گیرد و منحصر در فلسطین نیست. اهدافی که با توجه به اشاراتی در تورات و تلمود ریشه در عقاید منحرف صهیونیست دارد و تبدیل به دستمایه ای برای میراث خواهی و جنگ افروزی اسرائیل شده است.

-در کتاب یوشع باب ۱ شماره ۱ تا ۶؛ یوشع از قول خدا می گوید: «خدمتگزار من موسی از دنیا رفته است، پس یوشع برخیز و بنی اسرائیل را از رود اردن بگذران و به سرزمینی که به ایشان می دهیم، برسان.»

- در سفر تثنیه باب یازدهم شماره ۲۴: «هرکجا که قدم بگذارید، به شما تعلق خواهد داشت، مرزهای تان از بیابان نِگب در جنوب تا لبنان در شمال و از رود فرات تا مشرق تا دریای مدیترانه در مغرب خواهد بود.»

با توجه به مطالب قرآن کریم جایگاه حضرت موسی (ع) و شریعت الهی ایشان بر ما ثابت شده است و شکی در تحریف و جعل سخنانی نظیر آیات فوق نیست؛ اما آمیخته شدن چنین مطالبی در کتب مقدس یهودیان با مباحث شیوع یافته اسباط گمشده یهود در قرن هفدهم باعث شد تا تحركات اقوام پراکنده یهودی در اروپا منجر به تشکیل اولین کلونی های مخفی یهودی در عثمانی بشود. گروه هایی که تأسیس دولت مستقل یهودی را به عنوان آرمانی دیرینه دنبال می کردند و در نشست های خود درباره ی چگونگی دستیابی آن گفتگو می کردند. مطالبی که در کتب آیینی یهود است، با معرفی این قوم به عنوان برگزیده، اجازه هر نوع جنایتی را برای پیشبرد اهداف مخصوصاً اشغال سرزمین موعود صادر می کند.

- سفر تثنیه باب ۷ شماره ۷: خداوند دل خود را با شما نبست و شما را برگزید از این سبب که از سایر قومها کثیرتر بودید، زیرا که شما از همه قومها قلیل تر بودید. لیکن از این جهت که خداوند شما را دوست می داشت و می خواست قسم خود را که برای پدران شما خورده بود، به جا آورد، پس خداوند شما را با دست قوی بیرون آورد و از خانه بندگی از دست فرعون، پادشاه مصر، نجات داد.

- سفر تثنیه باب ۲۰ شماره ۱۷-۲۰: «با آنها عهد نبند و به آنها رحم نکن» «زیرا شما قومی مقدس برای یهوه خدای خود هستید. یهوه، خدایت بنی اسرائیل را از میان تمامی قوم های زمین برگزیده است.» «هر چیزی را که نفس می کشد را زنده نگذارید و آنها را کاملاً نابود کنید»

□ در سرفصل‌های پیش‌رو با بررسی تاریخی مراحل و چگونگی اشغال کردن سرزمین فلسطین توسط اسرائیل — بررسی می‌شود. پیشنهاد می‌شود برای آمادگی ذهنی دانش آموزان قسمت نخست مستند اسرائیل از درون نمایش داده شود. این مستند با بررسی کلی صدساله اشغال فلسطین اطلاعات جامعی از اقدامات اشغالگرانه رژیم صهیونیستی در اختیار مخاطب قرار می‌دهد.

استراتژی تدریجی

استراتژی اشغال فلسطین در بازه زمانی چندساله اجرایی می‌گردد. در اثنای جنگ جهانی نخست، دولت بریتانیا با صدور بیانیه بالفور^۲ فرمان تشکیل خانه‌ای ملی یهود در فلسطین را صادر نمود و با پایان یافتن جنگ جهانی نخست، سیل مهاجرت یهودیان به فلسطین آغاز شد. بعد از اینکه فلسطین تحت سلطه دولت بریتانیا درآمد با اختصاص زمین به مهاجران یهودی و خرید زمین توسط یهودیان یک جامعه مخصوص به خود را تشکیل دادند که حدوداً پنج درصد از مساحت کل کشور فلسطین را در اختیار داشتند. زندگی مسالمت‌آمیز مهاجران در زمین‌های خود با احترام به مردم ملت فلسطین قانونی و قابل قبول بود؛ اما مردم اسرائیل در سایه حمایت دولت حاکم بریتانیا — دست به اقدامات تروریستی بر ضد جامعه و مردم فلسطین می‌زدند.

هویت صهیونیست

از سال ۱۹۲۱ میلادی، رژیم صهیونیستی با هدف گسترش قلمرو خود به وسیله ایجاد رعب و وحشت در بین مردم فلسطین و اجبار آنان به ترک سرزمینشان، اقدام به تأسیس یک گروه شبه‌نظامی تروریستی به نام «هاگانا» کرد. صهیونیست‌ها کشتار و خونریزی را از نوجوانی آموزش می‌دادند و روحیه اشغالگری را بین مردم خود رشد می‌دادند. حتی اعضای

۲- اعلامیه‌ای تاریخی است که دولت بریتانیا در سال ۱۹۱۷ میلادی و در خلال جنگ جهانی اول، برای اعلام حمایت از دولت بریتانیا مجوز ایجاد یک خانه ملی برای مردم یهود در فلسطین را صادر کرد.

همین گروه تروریستی بعدها سردمداران حکومت صهیونیستی دولت اسرائیل شدند. آوریل شارون ۱۳ ساله که در سازمان هاگانا آموزش دید در سال ۱۹۸۲ میلادی در کشتار ۳۵۰۰ تن از فلسطینیان ساکن اردوگاه صبرا و شتیلا نقش برجسته‌ای را ایفا کرد و بعدها به نخست‌وزیری رژیم جنایتکار و غاصب صهیونیستی منصوب شد. موشه دایان که در ۱۴ سالگی به عضویت گروه تروریستی هاگانا درآمد تا بعدها در جایگاه یکی از مشهورترین فرماندهان نظامی نیروهای نظامی اسرائیل برای ماشین کشتار و ترور رژیم غاصب و کودک کش صهیونیستی مثمر ثمر واقع شود. اسحاق ناون از ۱۵ سالگی تا ۱۹ سالگی عضوی از هاگانا بود. وی در زمان انعقاد قرارداد کمپ دیوید در سال ۱۹۷۸ رئیس رژیم صهیونیستی بود.^۳ هاگانا نیز به تدریج به شاخه نظامی غیررسمی آژانس یهود تبدیل شد و نقش بازوی تروریسم دولتی رژیم غاصب صهیونیستی را ایفا کرد. اعضای برجسته این گروه در سال ۱۹۳۱ با حمایت‌های مالی و سیاسی انگلیس، سازمانی موسوم به آرگون را تأسیس کردند؛ این سازمان با شعار فقط و فقط اسلحه کارساز است، بزرگ‌ترین نقش را در برپایی دولت صهیونیستی و قتل و آواره سازی مردم فلسطین ایفا کرد.

روز نکبت

دراثتای جنگ جهانی دوم و با پایان قیمومیت انگلستان بر فلسطین در سال ۱۹۴۸، جامعه‌ی ملل قطعنامه‌ای صادر کرد و ۵۷ درصد از سرزمین فلسطین را به یهودیان داد؛ در حالی که قبل از آن، حدود پنج درصد زمین‌های فلسطین متعلق به یهودیان بود. مردم فلسطین بخش اعظمی از سرزمینشان را در اشغال می‌دیدند روز تأسیس کشوری به نام اسرائیل را به عنوان روز نکبت یا روز فاجعه یاد می‌کنند؛ «داوید بن گوریون» حکومت نوپای اسرائیل را در تاریخ چهاردهم مه ۱۹۴۸ پایه‌گذاری و آن را پناهگاهی امن برای یهودیانی اعلام کرد.

این قطعنامه برای اسرائیل که در سودای اشغال تمامی فلسطین بود، تازه آغاز کار بود. در تاریخ ۱۵ مه ۱۹۴۸ گروه‌های تروریستی یهودی شامل هاگانا، اشتزن و پالماخ که تحت نظارت و آموزش انگلیسی‌ها بودند باهدف پاک‌سازی قومی و تلاش برای ایجاد قلمرویی با جمعیت یکنواخت یهودی حملات وحشیانه خود را به شهرها و روستاهای فلسطینی آغاز کردند. طبق آمار نزدیک به نیمی از جمعیت مردم فلسطین، یعنی بیش از ۷۰۰ هزار نفر در آن زمان، از خانه و کاشانه خود آواره شدند و به اردن، لبنان، سوریه، غزه، کرانه باختری و بیت‌المقدس شرقی رهسپار شدند. ۴۰۰ تا ۶۰۰ روستای فلسطینی کاملاً تخریب شد. رقم خوردن صحنه‌های دردناک و غیرانسانی در طنطوره و دیر یاسین در این برهه رقم خورد. امروزه نزدیک به پنج میلیون و ۶۰۰ هزار پناهنده فلسطینی در اردن، لبنان، سوریه، کرانه باختری اشغالی و غزه زندگی می‌کنند. عمده این افراد نوادگان کسانی هستند که در سال ۱۹۴۸ مجبور به فرار و ترک خانه‌هایشان شدند.

بندهای نامفهوم و نبود ضمانت اجرایی قطعنامه سازمان ملل، بهانه‌ای برای تشدید درگیری‌ها در منطقه می‌شد که این جنگ‌ها با توجه به قدرت تسلیحاتی و نظامی اسرائیل باعث کشتار و فرار مردم فلسطین می‌شد. همچنین جنگ‌های حمایتی کشورهای عرب نیز غالباً نتیجه‌بخش نبود و اسرائیل روز به روز به وسیع‌تر می‌شد تا جایی که قلمرو آزاد ملت فلسطین منحصر در باریکه غزه باشد. جنایات اسرائیل علیه ساکنان غزه ادامه دار است و رسانه‌های جوان هرروز تصاویر جدیدی از خونریزی و کودک-کشی نظامیان اسرائیل به تصویر می‌کشد.

اهالی کرانه باختری، تحت سلطه اسرائیلی زندگی سختی دارند. وضعیت این دسته از مردم فلسطین به‌گونه‌ای است که لفظ آوارگان داخلی به آن‌ها نسبت داده می‌شود^۴ و شهروندانی درجه سه به حساب می‌آیند.

تمرین های فکری و مهارتی

□ پیشنهاد می شود که مربی جدول مناسبی ترسیم کند و از دانش آموزان بخواهد که در جدول تفاوت ها و شباهت های سیاست استعمار و سیاست غصب و اشغال را بنویسند.

□ در این درس دیدگاه صهیونیست در تورات و تلمود بررسی شده و ادعاهای و عقاید این قوم مطرح شد.

۱. برتر بودن قوم یهود

۲. جواز کشتار ساکنان کنعان

□ پیشنهاد می شود دانش آموزان با قرآن پژوهی، آیاتی از قرآن را ارائه کند که مدعاهای فوق را نقض کند.

□ دانش آموزان باید بتوانند یک سیر تاریخی از اشغالی سرزمین فلسطین توسط اسرائیل ارائه بدهند.

طرح درس
مهاجرت و اسکان

مقدمه

تا به حال شده که فردی از شما دزدی کند؟ هر سرقت به نوعی ضربه و آسیبی است که سارق با مالباخته وارد می کند. فرض کنید یک نفر کیف شما را سرقت کند؛ تمامی دفترها و کتاب هایتان از دسترس خارج شود روند تحصیل یک ساله شما با معضل روبه رو می شود. این معضلات به تناسب اهمیت مال به سرقت رفته تفاوت پیدا می کند.

▣ پیشنهاد می شود مربی در این مرحله با برگزاری یک چالش در کلاس، ذهن دانش آموز را برای درک مطالب آماده کند. در این چالش دانش آموزان دوبه دو اموال عمومی را نام می برند و دیگری آسیب هایی که در صورت سرقت آن وسیله وارد می شود را ذکر کند.

حالا تصور کنید یکی از اموال عمومی را بدزدند، مثلاً چراغ راهنمایی را. به نظرتان در هر چهارراه در روز چند تصادف اتفاق می افتد؟ ببر اثر این تصادفات چند نفر آسیب جانی و مالی می بینند؟ چند نفر در ترافیک گیر می افتند و برنامه روزانه شان به هم می خورد؟

رژیم صهیونیستی بزرگ ترین و حرفه ای ترین سارق دنیاست. این رژیم توانست با دروغ، خونریزی و کشتار و البته سیاست در طی پنجاه سال یک کشور بددزد. در این درس با یکی از استراتژی هایی که در این سرقت به کار گرفته شده آشنا می شویم.

▣ پیشنهاد می شود در ادامه چالش قبل، دانش آموزان این بار در مورد سرقت یک کشور سخن بگویند و آسیب هایی که ساکنان آن سرزمین، کشورهای هم پیمان با آن سرزمین و مردمی که مجبور به مهاجرت به آنجا می شوند را شرح دهند.

سرقت بزرگ

سرقت یک کشور اتفاقی پیشینه دار نیست و در منابع علوم سیاسی دنیا راهکار و راهبردی برای دستیابی به این هدف پیشنهاد نشده است؛ اما رژیم صهیونیستی نهادی است که اساساً برای رسیدن به این هدف به وجود آمده و برای از هیچ جنایتی در جهت رسیدن به این هدف کوتاهی نکرده. استراتژی که در این راه به کار گرفته شد ابعاد گسترده ای را در بر می گیرد و در سرنوشت ملت های عرب به ویژه مردم فلسطین به مدت یک سده تأثیرگذار بوده است. طرح های مربوط به اسکان یهودیان در فلسطین، در ابتدا از سوی برخی از سیاستمداران

غربی به‌ویژه انگلیسی و روشنفکران یهودی اروپا در دهه‌های پایانی قرن نوزدهم مطرح شد. مهم‌ترین دلیل مطرح‌شدن استراتژی مهاجرت و اسکان این بود که قوم یهود به‌عنوان ملتی مطرود و برخوردار از نژادی مستقل در جوامع غربی و بین مردم اروپا منزوی هستند، چراکه ریشه‌ها و خاستگاه اصلی آنان در فلسطین قرار دارد. در اولین کنگره جنبش صهیونیسم در سال ۱۸۹۷ میلادی، هدف این جنبش تأسیس وطن ملی برای یهودیان در فلسطین اعلام شد. به‌منظور تحقق این استراتژی و گسترش شهرک‌نشینی، تلاش جنبش صهیونیسم در جهت مهاجرت یهود به فلسطین، شهرک‌سازی و کوچاندن ساکنان عرب از سرزمین فلسطین تأکید می‌کرد. شهرک‌سازی‌های یهودی‌نشین در سرزمین‌های اشغالی در حقیقت راهی برای یهودی‌سازی سرزمین‌ها و اشغال زمین‌های جدید است. این سیاست همچنین به‌عنوان عاملی مهم و استراتژیک تأثیر بسزایی در حفظ امنیت و تحکیم سلطه صهیونیسم بر سرزمین‌های اشغالی داشته است.

مهم‌ترین اقدام سردمداران صهیونیست و استعمارگران هم‌پیمان آن‌ها در چارچوب استراتژی مهاجرت و اسکان، مدیریت اذهان بود. دروغ‌هایی که در جهت ساکت نگه داشتن و فریب مردم فلسطین و ملت‌های عرب گفته می‌شد باعث شد جامعه عرب خیلی دیر به اقدام نظامی علیه اسرائیل روی بیاورد و تقریباً بعد از تکمیل ساختار نظامی اسرائیل تمام جنگ‌های اعراب و اسرائیل، با شکست سریع اعراب روبه‌رو می‌شد همین پیروزی‌ها اسرائیل قدرتمندتر و بزرگ‌تر می‌کرد.

دروغ بزرگ

از وینستون چرچیل دریکی اسناد مهم سیاسی امپراتوری بریتانیا در پاسخ به اعتراضات ناشی از اعلام بیانیه بالفور^۱ گفته بود: فلسطین هرگز بدان گونه که انگلستان انگلیسی شمرده می‌شود، یهودی نخواهد گشت؛ و این امر به معنای یهودی کردن کل فلسطین نیست. ملت عرب نباید از این مسئله بیم داشته باشند چراکه به معنای برتری یهود بر عرب نیست و اعراب نباید بیمی از اخراج جمعیت عرب فلسطینی یا محو شدن و از میان رفتن

۱- اعلامیه‌ای تاریخی است، که دولت بریتانیا در سال ۱۹۱۷ میلادی و در خلال جنگ جهانی اول، برای اعلام حمایت از دولت بریتانیا مجوز ایجاد یک «خانه ملی برای مردم یهود» در فلسطین را صادر کرد.

فرهنگ و زبان خود داشته باشند. در اعلامیه بالفور هیچ اشاره‌ای مبنی بر اینکه فلسطین کاملاً و صرفاً وطن ملی یهودی خواهد گشت وجود ندارد و ایجاد چنین وطن ملی در فلسطین به معنای تحمیل هویت و تابعیت یهودی بر تمامی ساکنان این سرزمین نخواهد بود.^۲

گلدامایر که از مهم‌ترین مؤسسان صهیونیست اسرائیل به شمار می‌رود در کتابی که سال ۱۹۳۶ از او منتشر شد با مظلوم‌نمایی مهاجران اسرائیلی می‌نویسد: همیشه آرزو می‌کردم که در نهایت، عرب‌های فلسطین بخواهند کنار مادر سایه صلح، آرامش و عدالت به‌عنوان شهروند در سرزمین یهودیان زندگی کنند.

این سخنان وقتی عنوان می‌شود که گروه‌های تروریستی مثل هاگانا متشکل از جوانان آموزش دیده صهیونیست مرتباً در فلسطین به خونریزی و حمله به دهکده‌های عرب نشین بودند. شعار فلسطین سرزمین بی‌ملت برای ملت بی‌سرزمین دروغ دیگری بود که سرکردگان صهیونیسم سرداندند تا از این راه ملت فلسطین را از سرزمین و وطن خود بیرون و یهودیان را در آن ساکن کنند.

فلسطین، ملتی ریشه‌دار

آن کشور سبز خنجرشکلی که در کنار دریای مدیترانه وجود دارد از دوران روم باستان، یک کشور رسمی به حساب می‌آمده. کشوری که پژوهشگران معتقدند قدمت نام‌گذاری آن به فلسطین، از منابع عربی و اسلامی متأخر بوده و به منابع رومی بازمی‌گردد. در دوره حکمرانی روم و بعدها بیزانس، فلسطین بخش و استانی از این امپراتوری بزرگ به حساب می‌آمد که قطعاً خالی از سکنه نبود؛ اما از میانه قرن هفتم میلادی به بعد به‌جز یک تصرف کوتاه در قرون وسطی که فلسطین به دست «صلیبی‌ها» افتاد، مسلمانان از شمال و شرق و جنوب این کشور مشتاق تصرف این منطقه بوده‌اند. یکی از دلایل جذابیت فلسطین برای جهان اسلام، «بیت‌المقدس» به‌عنوان دومین مکان مقدس مذهب اسلام، پس از مکه و مدینه بود؛ هرچند موقعیت راهبردی جغرافیایی و حاصلخیزی چشمگیر این منطقه را بر خلاف نواحی بیابانی دیگر کشورهای اطراف آن، نمی‌توان نادیده گرفت. جمعیت دقیق یهودی‌های ساکن فلسطین تا پیش از ظهور صهیونیسم روشن نیست؛ اما بنا بر تصریح مهم‌ترین منابع

بیشتر از ۵ درصد نبوده است.

طبق اسناد دوره عثمانی، کل جمعیت ساکن در جایی که امروزه اسرائیل خوانده می‌شود در سال ۱۸۷۸، ۴۶۲ هزار نفر بوده که از این تعداد ۴۰۳ هزار نفر (۸۷ درصد) مسلمان، ۴۳ هزار نفر (۱۰ درصد) مسیحی و ۱۵ هزار نفر (۳ درصد) یهودی بوده‌اند.

اما با وجود این اطلاعات مستند تاریخی، پایگاه رسمی وزارت امور خارجه اسرائیل، روایت خیالی دیگری از تعداد ساکنان یهودی فلسطین در آن برهه تاریخی و وضعیت این منطقه دارد؛ آن‌ها فلسطین را در مدت‌زمان چهارصدساله حکومت عثمانی با جمعیت غالب یهودی معرفی می‌کنند که در اثر ناکارآمدی حاکمان عثمانی، روبه‌زوال و بیابانی شدن و البته خالی شدن پیش می‌رفته است.

بر اساس ادعای روایت وزارت خارجه اسرائیل، فلسطین در قرن شانزدهم غالباً یهودی‌نشین بوده و اقتصاد تجاری کشور به دست درایت یهودی‌های بومی و مهاجر می‌پر خیده است و با کاهش تدریجی کیفیت حکمرانی عثمانی، کشور فلسطین، مورد بی‌توجهی و اهمال قرار گرفت و لذا در پایان قرن هجدهم، بخش عمده خاک کشور در تملک زمین‌داران بزرگی که خود در آنجا زندگی نمی‌کردند قرار داشته است که آن‌را به کشاورزان فقیر و ناتوان اجاره می‌دادند.

طبق این روایت، از فلسطین پررونقی که از دوران روم به دوران عثمانی رسیده، در سال ۱۸۰۰ چیزی جز یک بیابان باقی نمانده که جمعیت یهودی قابل توجهی با رنج در آن زندگی می‌کرده و هر سال بیش از سال گذشته، زمین‌های کشاورزی، نابود و بیابانی می‌شده است! و در نتیجه وقتی آن‌ها به اینجا رسیده‌اند یک زمین خالی بوده و غصب یک زمین خالی که اشکالی ندارد.^۳

ایلان پاپ که مورخی مشهور، یهودی و با تابعیت اسرائیلی است در این رابطه، در کتابش ده دروغی که اسرائیل به شما می‌گوید می‌نویسد: اولاً فلسطین در دوران عثمانی جامعه‌ای بوده مانند بقیه جوامع عرب اطرافش. کشورهای شرق مدیترانه با برخوردای از شرایط مطلوب کشاورزی و موقعیت تجاری ثروتمند قلمداد می‌شده‌اند و فلسطین هم تفاوتی با بقیه آن‌ها نداشت. مردم فلسطین نه تنها محاصره نشده و از بقیه جدا نیفتاده بودند،

بلکه به راحتی و به عنوان بخشی از امپراتوری گسترده عثمانی، در حال کنش و واکنش با دیگر فرهنگ‌ها قرار داشتند. ثانیاً فلسطین که نسبت به تغییر و مدرن سازی، آغوش بازی داشت، مدت‌های طولانی پیش از رسیدن جنبش صهیونیسم، توسعه را آغاز کرده بود. تحت حکمرانی حاکمان پرتکاپویی نظیر «ظاهر العمر»^۴ شهرهای حیفا، شفاامر، طبریه و عکا، نوسازی شده و دوباره جنب و جوش خود را بازیافته بودند. شبکه ساحلی بنادر و شهرها به واسطه تجارتشان با اروپا رونق و توسعه بسیار زیادی یافته بودند و در همان زمان، تجارت داخلی با مناطق نزدیک هم از طریق مناطق جلگه‌ای درون کشور و به صورت زمینی جریان داشت و شهرهای کوچک و تاریخی نظیر قدس و بیت‌لحم در عصر رسیدن صهیونیسم به فلسطین، نیازهای جمعیتی حدوداً نیم میلیون نفری ساکنانش را تأمین می‌کردند. کاملاً برعکس تصویر بیابانی‌ای است که از تاریخ فلسطین ارائه می‌شود. □ ایران روزگاری امپراتوری عظیمی به وسعت یک چهارم جهان بوده است. بررسی کنید اگر ایران امروز بخواهد تمام سرزمین‌هایی که سال‌ها تحت فرمانش بوده اند را پس بگیرد، باید با چند کشور بجنگد. این تمرین برای رد ادعای قوم یهود در مورد فلسطین پیشنهاد می‌شود.

صهیونیست، سقوط به چاه تاریخ

تمام تلاش‌هایی که برای تشکیل اسرائیل صورت می‌گیرد بر اساس آرمان‌های گروهی است که با همین هدف به وجود آمده است. صهیونیسم جنبشی است که با تکیه بر آیات تحریف شده تورات و انگیزه‌ی تأسیس دوباره‌ی کشوری که حدود ۲۰۰۰ سال پیش از بین رفته است؛ در پی ایجاد کشوری یهودی در خاک فلسطین است. صهیونیسم، نوعی مطالعه دستچین‌شده و مشخص از تورات را که مبتنی بر انحراف واقعی از برنامه خداوند است، مورد استفاده قرار می‌دهد و آن را به عنوان پوشش و پرده‌ای برای پنهان کردن مقاصد سیاسی‌اش به کار می‌برد. اعضای این گروه بعضاً در جغرافیای سیاسی دنیا افراط‌تأثیرگذاری بودند و

برای تحقق آرزوی خود هزینه‌های گزافی پرداختند. بارون ادموند جیمز روتشیلد در دایره‌المعارف یهود، پدر ارض اسرائیل لقب گرفت. او ۷۰ میلیون فرانک طلا در راه اسکان یهودیان در فلسطین سرمایه‌گذاری کرد. حییم وایزمن به پاس سهم تعیین‌کننده ادموند روتشیلد در تأسیس دولت اسرائیل، او را «پیشوای سیاسی صهیونیسم» نامید. یکی دیگر از تأثیرگذارترین صهیونیست‌ها که اسرائیل پیروزی در نخستین نبردهای نظامی اش را مدیون اوست؛ گلدامایر نام دارد. او در ده بیستم میلادی با پوشش توریست و به‌عنوان جاسوس راهی اردن شد و در مجاورت خانه چند تن از نظامیان اردنی اقامت گزید. وی به تدریج توانست به‌عنوان یک تبعه بخش اروپائی روسیه به‌وسیله ارتباط با چند تن از افسران اردنی به ارتش اردن نفوذ و در مجالس آنان شرکت کند و از مؤسسات نظامی، مراکز و مقرهای نظامی این کشور اطلاعاتی به دست آورد. مایر چند روز قبل از نطق بن‌گوریون وارد فلسطین اشغالی شد و تصمیم ارتش اردن را برای جنگ با رژیم صهیونیستی در حد یک «احتمال قوی» به مقامات صهیونیستی اطلاع داد. همچنین اطلاعاتی را که توانسته بود، از مؤسسات و دستگاه‌های نظامی اردن و روحیه افسران آن کشور جمع‌آوری کند، در اختیار صهیونیست‌ها قرارداد.

▣ پیشنهاد می‌شود مربی قبل از ارائه مطالب این سرفصل توضیحاتی اجمالی در مورد اقدامات ضدیهودی آلمان در جنگ جهانی دوم ارائه کند.

بازگرداندن یهودیان

بزرگ‌ترین و پرزحمت‌ترین اقدام صهیونیست‌ها، عملیاتی نمودن پروژه بازگشت یهودیان به فلسطین بود. این پروژه با حمایت مسیحیان صهیونیست و مظلوم‌نشان دادن چهره یهود با سوءاستفاده از اقدامات آلمان نازی در جنگ جهانی دوم عملی گردید. موفقیت حاصل از پروژه بازگشت یهودیان به ارض موعود^۵، منجر به اعلام وجود این کشور در سال ۱۹۴۸ شد تا پیش گوی^۶ هرترزل در سال ۱۸۹۶ دربار این‌که طی پنجاه سال آینده دولت یهودی

۵- سرزمین که در تورات به قوم یهود وعده داده شده

۶- روزنامه‌نگار، فعال سیاسی و نویسنده یهودی‌الصل اتریشی که جنبش سیاسی صهیونیسم را پایه نهاد

تشکیل خواهد شد؛ تحقق پیدا کند.

تصور این که تمام یهودیان سراسر اروپا، در ابتدا مشتاق به این مهاجرت بوده اند و مشکلی با رها کردن خانه و زندگی خود نداشته اند نیز تنها به فکر کارگردانان هالیوود می رسد. خاخام جوزف گدآلیاه معتقد بود که برای مهاجرت یهودیان به فلسطین باید به زور متوسل شد. وی در نطقش در کنگره یهودیان آمریکا که ماه می سال ۱۹۴۸ برگزار می شد گفت: من معتقدم که مردم یهودی باید برای مهاجرت به فلسطین تحت فشار قرار گیرند. این یک برنامه جدید نیست. این رویه قبلاً و در گذشته نزدیکی نیز اعمال گردیده بود. باید یهودیان دنیا برای عزیمت و استقرار در فلسطین قانع گردند. برای عملی ساختن این طرح باید به جای تغییر سیاست جامعه یهودی و آسوده خاطر سازی یهودیان بدون سرزمین، آن ها را در سرزمین های محل اقامت آنان تا حدّ ممکن دچار سختی و مشقت نمود. باید رفاه و راحتی به وجود آمده (برای یهودیان) کاهش یابد.^۷

▣ پیشنهاد می شود جهت درک بهتر مطلب، دانش آموزان با توجه به شرایط خدمات شهری، آب و هوا، شرایط اجتماعی ساکنان، جاده ها و مراکز درمانی پیشنهادهای خود را برای شهرسازی مناسب بیان کنند.

شهرک سازی

رژیم صهیونیستی با تملک سرزمینی به وسعت ۲۰۷۰۰ کیلومتر مربع و عدم برخورداری از عمق مناسب و به لحاظ جغرافیای آسیب پذیر در مقابل کشورهای هم جوار و همچنین با توجه به سیاست تجاوزکارانه خود همواره در معرض تهدید نیروهای خارجی و هم جوار خود بوده است. لذا نحوه اسکان مهاجران یهودی مسئله ای چالش برانگیز برای رژیم صهیونیستی به شمار می آمد. از طرفی کنترل و همگون کردن یهودیان مهاجر که از ملیت های متنوع اروپایی، آمریکایی، آفریقایی و آسیایی بوده و دارای فرهنگ های مختلف از

جوامع گوناگون هستند، امری اجتناب‌ناپذیر بود. در نهایت مدل شهرک‌های یهودی برای شهرک‌سازی با توجه به نواحی مرزی مورد استفاده قرار گرفت. این مدل در زمینه دفاع و تأمین حوزه‌های امنیتی از امتیازات ویژه‌ای برخوردار بود و مردم را در نزدیکی مرزهای کشور اسکان می‌داد. همچنین برای ایجاد زیرساخت لازم برای کنترل جامعه یهود و تزریق فرهنگ واحد نوین و همه‌جانبه بر آن‌ها؛ با اسکان یهودیان افراطی در مجاورت با شهرهای فلسطینی به توسعه و رشد روحیه دشمنی آن‌ها با اعراب کمک می‌کند، همچنان که این وضعیت در شهرک‌های کریات اربع و ایلون، موریه و عفره که در نزدیکی شهرهای الخلیل و نابلس و رام الله واقع شده‌اند مشهود است.

تمرین‌های فکری و مهارتی

- پیشنهاد می‌شود با هدف دشمن‌شناسی از دانش آموزان بخواهد یکی از اساطیر یا زندگی افراد تأثیرگذار صهیونیست را بررسی کرده و اقدامات او را فهرست نموده و در کلاس بخواند.
- از دانش آموزان بخواهید علت‌هایی که در اولین نشست‌های صهیونیست برای مهاجرت یهودیان به فلسطین نام برده شد را بیان کنند.
- از دانش آموزان بخواهید ادعای رژیم صهیونیستی درباره فلسطین در عصر حکومت عثمانی را بیان کنند.
- از دانش آموزان بخواهید معضلاتی که رژیم صهیونیستی با شهرک‌سازی در صدد حل کردن آن‌ها برآمد را توضیح بدهید.

طرح درس اتحاد پیرامونی

مقدمه

محاصره سریع ترین و مطمئن ترین راهی است که نیروی انتظامی برای دستگیری مجرمین انتخاب می کند. در جنگ های نظامی هم بارها دیده ایم که نیروهای یک ارتش به دو یا چند دسته تقسیم می شوند و با حملات گازانبری و محاصره دشمنان خود را متوقف می کنند.

یک محاصره همه جانبه و حداکثری، چنانچه فضا را بر نیروی نظامی مقابل تنگ کند و توان مقابله را بگیرد، می توان باعث توقف و تسلیم دشمن بشود؛ اما اگر این محاصره در نقشه جغرافیایی اتفاق بیافتد و این بار شما در مرکز این حلقه اسیر شده باشید، چه می کنید؟ به عبارتی دیگر فرض کنید همه کشورهای همسایه شما، مصمم به حمله ی نظامی و جنگ با کشور شما باشند، چه راهکاری برای مقابله در پیش می گیرید؟ شما در مرکز این محاصره اسیر شده اید و هیچ راهی برای خروج و فرار هم ندارید.

▣ پیشنهاد می شود همه دانش آموزان راجع به سؤال فوق فکر کنند و معلم برای دریافت بازخورد ایشان یک بحث گروهی را در کلاس راه اندازی و مدیریت کند.

اگر شما بتوانید با کشورهای همسایه دشمنانتان متحد بشوید، در واقع در مرکز محاصره، یک محاصره دیگر را پیرامون دشمنانتان رقم زده اید. در این حالت ورق برگشته و دشمنان شما اسیر محاصره می شوند. برای اجرای این راهکار نیاز به سیاست خارجی قوی برای برقراری اتحاد سیاسی دارید تا در محاصره دشمنان خود را تأمین کنید.

▣ قبل از شروع درس مری نقشه خاورمیانه را مقابل دید دانش آموزان قرار دهد و با تعیین جایگاه اسرائیل، کشورهای عربی در جنگ با اسرائیل و متحدین اسرائیل؛ ذهن دانش آموزان را برای فراگیری مطالب درس آماده کند و همچنین در طی آموزش از نقشه کمک بگیرند.

اتحاد پیرامونی، تنه‌اراهکار

استراتژی اتحاد پیرامونی یک نظریه عقلانی و منطقی است که حکم می کند؛ دولت ها در مقابل کشورهایی که منشأ بیشترین تهدیدات علیه امنیت منطقه هستند باهم متحد شوند؛

اما اتخاذ این سیاست توسط اسرائیل در نوع خود جالب توجه است. چراکه این واحد سیاسی نامشروع خود مولد جنگ و ناامنی در خاورمیانه است؛ اما به همین دلیل و برای فرار از انزوای سیاسی؛ اتحاد پیرامونی تنها راهبرد امنیتی رهبران این دولت برای حفظ موجودیت کشور تازه تأسیسشان بود.

اسرائیل تازه تأسیس در دهه پنجاه میلادی مانند یک جزیره کوچک ۷ میلیونی اسرائیل در میان سرزمین‌های بزرگ چندمیلیونی غرب آسیا قرار داشت. ائتلافی از ملت‌های عرب با محوریت مصر و نقش مؤثر روسیه که از بین رفتن اسرائیل را بزرگ‌ترین اهداف خود معرفی می‌کردند؛ و با وجود درگیری نظامی در سال ۱۹۵۶ و بعدها در ۱۹۶۷ این حقیقت که امکان برقراری روابط عادی اقتصادی و امنیتی را با سایر کشورهای منطقه ندارد برای اسرائیل روشن بود.

□ در صورت امکان مری وقایع یکی از جنگ‌های سال ۱۹۷۳، ۱۹۶۷، ۱۹۵۶ و جنگ‌های ۱۹۸۲، ۲۰۰۶ را که شامل تمامی جنگ‌های اسرائیل با کشورهای عربی می‌شود را به‌طور اجمالی برای دانش‌آموزان بیان کند یا به نمایش مستندی در این موضوع دانش‌آموزان را با فضای ناامن خاورمیانه در این سال‌ها آشنا کند.

عصر انزوا

بن‌گورین اولین نخست‌وزیر اسرائیل و دیگر استراتژیست‌های اسرائیلی برای خروج از محاصره سرزمینی، طرح پیرامونی و یا حاشیه‌ای را مطرح ساختند. طرحی که هدف آن یافتن شرکایی در منطقه علیه ائتلاف ضد اسرائیلی دولت‌ها عربی به سرکردگی جمال عبدالناصر بود. تنش‌های مرزی کشور تازه تأسیس اسرائیل با همسایگان عرب خود از جمله تنش‌های مرزی کشور تازه تأسیس اسرائیل با همسایگان عرب خود از جمله در قضیه بحرین کانال سوئز^۱ با مصر به‌خاطر بحرین ملی آب در اسرائیل و قضیه مالکیت بلندی‌های جولان توسط سوریه، لبنان و اسرائیل همچنین اعلام منشور سازمان آزادی بخش فلسطین در سال ۱۹۶۷^۲ همگی دست به دست هم داد

۱- در ۲۹ اکتبر، اسرائیل سینیای مصر را اشغال کرد. بریتانیا و فرانسه، مهلتی مشترکی به‌منظور توقف آتش‌ساز صادر کردند که به آن بی‌توجهی شد. در ۵ نوامبر، فرانسه و بریتانیا در کنار کانال سوئز چتر باز پیاده کردند. نیروهای مصری شکست خوردند ولی کانال را در برابر تمام محموله‌ها مسدود کردند. روشن شد که اشغالگری اسرائیل و حمله متعاقب بریتانیایی-فرانسوی از پیش توسط این سه کشور برنامه‌ریزی شده بوده است. این سه متحد به شماری از اهداف نظامی‌شان دست‌یافته بودند ولی کانال دیگر بی‌استفاده بود و فشار زیادی از سوی آمریکا و شوروی آن‌ها را مجبور کرد عقب‌نشینی کنند.

۲- سازمان آزادی بخش فلسطین که در آن زمان تنها سازمان نظامی-سیاسی فلسطینی بود و شرق اورشلیم، کرانه باختری رود اردن و نوار غزه را در اختیار داشت، طی منشوری که در سال ۱۹۶۴ منتشر کرد، خواهان بیرون راندن «صهیونیست‌ها» از «سرزمین‌های عربی» تنها با نیروی قهر و با کمک برادران عرب خود شده بود.

تا شرایط جنگی میان دولت‌ها عربی و اسرائیل ایجاد شود. طرح استراتژی پیرامونی بر اساس سه اصل غافلگیری، انتقال جنگ به داخل سرزمین‌های اشغالی و ابتکار عمل، سعی در خروج از انزوای سیاسی و مقابله با اتحاد اعراب بود.

در این دوران که اسرائیل در منطقه دچار انزوایی سیاسی شده بود، با اتخاذ سیاستی مبتکرانه در صدد ایجاد روابط و اتحاد با قدرت‌های غیرعربی یا غیرمسلمان منطقه برآمد تا با کمربندی پیرامونی جغرافیای ملت‌های عربی سعی در ایجاد فشار سیاسی و امنیتی بر این کشورها داشت. لذا توجه اسرائیل برای پیشبرد روابط و رقم زدن اتحاد پیرامونی به کشورهای مسلمان غیرعربی (ترکیه و ایران شاهنشاهی)، کشورهای مسیحی دارای هویت مسیحی (مانند اتیوپی و لبنان) و نیز اقلیت‌های قومی غیرعربی یا غیرمسلمان (کردها و ارامنه) می‌شد معطوف گردید. □ پیشنهاد می‌شود مربی با اتصال کشورهای متحد اسرائیل بروی نقشه، کمربند محاصره متحدین دولت اسرائیل را به دانش‌آموزان نشان بدهد.

□ پیشنهاد می‌شود دانش‌آموزان مهم‌ترین دلایل و انگیزه‌های جنگ نظامی کشورهای عربی با اسرائیل را نام ببرند و نظرات خود را راجع به مهم‌ترین این دلایل بیان کنند.

مثلث متحدین

از تمامی اهداف دیپلماسی که اسرائیل برای خود مناسب می‌دید. ایران با توجه به قدرت منطقه‌ای و همچنین جایگاه جغرافیایی، مهم‌ترین هم‌پیمان اسرائیل به شمار می‌آمد. همکاری این دو کشور به حدی پیش رفت که به اتحاد اطلاعاتی ترایدنت یا نیزه سه سر بین ساواک، موساد و اطلاعات ترکیه منتج شد. بسیاری نیروی ساواک را تعلیم دیده موساد می‌دانند و سمینارهای مشترک سالانه این دو نهاد گواهی بر این موضوع است. اسرائیل حتی به‌منظور همراهی ملت ایران و مدیریت افکار عمومی سعی داشت با تأثیرگذاری در دیدگاه فرهنگی مردم ایران مخصوصاً سربازان ارتش، نسبت به اعراب ایجاد تنفر کرده و ملت‌های منطقه به ضدیت و دشمنی با اعراب تشویق می‌نمود. همچنین ترکیه به دلیل مرز مشترک با عراق و سوریه و مخصوصاً اتیوپی با توجه به بحران آب موجود در اسرائیل اهداف دیپلماسی مهمی برای اسرائیل به حساب می‌آمدند. اتیوپی از سال‌های آغازین اعلام موجودیت

اسرائیل تا به امروز، با تهدید به احداث سد بر روی سرشاخه های نیل، اهرم فشاری علیه مصر - مهمترین دشمن اسرائیل در دهه ۵۰ تا ۸۰ میلادی - به شمار می رود. با پیروزی انقلاب اسلامی و با توجه به عدم پذیرش موجودیت اسرائیل توسط نظام جمهوری اسلامی ایران و حمایت از آرمان فلسطین و تأکید ضرورت مبارزه با اسرائیل، از ابتدای دهه ۹۰ میلادی ایران مهم ترین تهدید امنیت ملی اسرائیل قلمداد شده و استراتژی های مختلفی برای مقابله با آن تدوین شد. در این میان، اتحاد پیرامونی جدید یکی از مهم ترین ابعاد سیاست خارجی اسرائیل در قبال ایران بود.

پیشنهاد می شود مربی با توجه به مطالب بند پیشین و سرفصل بعدی، با تعیین جایگاه جدید متحدین جدید اسرائیل به روی نقشه جغرافیایی شکل جدید اتحاد پیرامونی که این بار برای محاصره ایران سازمان دهی شده اند را ترسیم کند.

آشتی با ملت های عرب

در این شرایط، یعنی از دهه ۹۰ به بعد عربستان سعودی با انگیزه ی جانشینی ایران در مثلث متحدین اصلی اسرائیل در منطقه، روابط نهان خود را توسط شاهزاده فیصل ترکی با اسرائیل آغاز نمود. شاهزاده فیصل رئیس اداره استخبارات عربستان بود که عهده دار سیاست خارجی و امنیت داخلی است و ماهیتی شبیه به ساواک دارد. این روابط پنهان منتج به اتحادی اطلاعاتی علیه محور مقاومت در سال ۲۰۰۴ گردید. علی رغم اینکه اسرائیل سیاست های خود را باهدف ایجاد خاکریز پشت مرزهای کشورهای عربی دنبال می کرد، امروزه برخی از کشورهای عربی مبدل به خاکریزی برای اسرائیل در مقابله با ایران شده اند.

روابط کشورهای عربی و اسرائیل تنها مختص به عربستان نبوده بلکه در سال ۲۰۲۰، امارات، بحرین با میانجیگری ایالات متحده پیمان ابراهیم را امضا کردند. این توافق نامه در واقع صلح نامه ای بود که باهدف عادی سازی روابط دیپلماتیک و کامل بین امارات، بحرین و رژیم صهیونیستی به امضا می رسید. بعدها سودان، مراکش و عمان به آن ها پیوستند یا این اقدام را تأیید کردند و موریتانی و اندونزی آماده بررسی موضوع عادی سازی روابط با اسرائیل هستند. به یاد بیاوریم که مصر از سال ۱۹۷۹ و اردن از سال ۱۹۹۴ روابط دیپلماتیک خود را با اسرائیل آغاز کرده اند.

هرچند نام عربستان در بین امضاکنندگان این پیمان صلح دیده نمی شود اما به قول ولادیمیر سارژین خاورشناس مطرح روس، عربستان روابط پنهانی و غیررسمی با اسرائیل داشته و روند کنونی نزدیکی اعراب و اسرائیل بدون موافقت عربستان سعودی امکان پذیر نبوده است.^۳

آذربایجان، متحد جدید اسرائیل

پس از فروپاشی شوروی و ایجاد موقعیت جدید در قفقاز و آسیای مرکزی، برای اسرائیل فرصتی پدید آمد تا از طریق ارتباط با کشور آذربایجان در منطقه قفقاز جنوبی دارای نفوذ گردد. اسرائیل از سال ۱۹۹۲ با به رسمیت شناختن کشور آذربایجان و همکاری در زمینه های مختلف سیاسی و اقتصادی و امنیتی سعی نموده تا به اهداف مختلف خود دست یابد. نیاز مبرم آذربایجان به فناوری، پیشرفت های اقتصادی، سرمایه گذاری خارجی و نبود این امکانات در منطقه قفقاز جنوبی، دولت مردان آذری را متقاعد نموده که با برقراری رابطه با اسرائیل که دارای تکنولوژی پیشرفته در بخش صنعت و کشاورزی و همچنین دارای سرمایه های لازمه برای سرمایه گذاری می باشد، می تواند اقتصاد آذربایجان را متحول سازد و بر امنیت آن بیفزاید. آن ها همچنین معتقدند که لابی پر قدرت یهودیان در آمریکا و غرب می تواند حمایت های لازم را از آذربایجان در مقابل تهدیدات منطقه ای در جنگ با ارمنستان به عمل آورد. بدین ترتیب روابط دو کشور اسرائیل و آذربایجان با نیاز طرفینی شکل گرفته است. از دو منطق متفاوت بر اساس نیاز همکاری با یکدیگر بر اساس طرح پیرامونی شکل گرفته است.

با توجه فعالیت ها مستمر نظامی اسرائیل، نیاز به سوخت یکی از ضروری ترین احتیاجات اسرائیل است که توسط آذربایجان تأمین می شود. شیمون پرز یک هفته قبل از سفر به آذربایجان در سال ۲۰۰۹ به این مسئله اشاره کرد و گفت:

از آنجایی که اسرائیل نفت و گاز ندارد و نیازمند انرژی است، باید بر علاقه آذربایجان تمرکز کرد، یعنی سهمیم کردن آنان در دانش و تکنولوژی اسرائیل. با توجه به اینکه ۴۰ درصد از سبد انرژی مصرفی در اسرائیل به نفت وابسته است. معاملات سوخت حجم قابل توجهی از فعالیت های اقتصادی آذربایجان و اسرائیل را تشکیل می دهد. مطابق آمار مجموع ظرفیت

۳- آیا عربستان واقعاً می تواند با اسرائیل رابطه برقرار کند؟ / مجله دیپلماتی ایرانی. ۱۵/۲/۴۰

پالایشی اسرائیل در دو پالایشگاه حیفا و اشدود در سرزمین‌های اشغالی معادل ۳۰۰ هزار بشکه در روز و محل تأمین خوراک آن از نفت وارداتی، عمدتاً از قزاقستان و آذربایجان است.^۴ حدود ۶۰ درصد از نفت اسرائیل از مسیر خط لوله باکو-نفلیس-جیهان تأمین می‌شود که تحت مدیریت آذربایجان و ترکیه است. در سال ۲۰۲۱، اسرائیل ۶۵ درصد از نفت خام مورد نیاز خود را به ارزش ۸۸۸ میلیون دلار، از جمهوری آذربایجان خریداری کرده است.^۵ متأسفانه آذربایجان امروزه با عنوان تأمین‌کننده سوخت ماشین کودک کشی رژیم غاصب صهیونیستی به شمار می‌آید.

علاوه بر تجارت و تأمین سوخت آذربایجان در پیشبرد اهداف اطلاعاتی و جاسوسی اسرائیل نیز همکاری می‌کند. سازمان موساد، ۲۶ سال قبل فعالیت خود را به طور رسمی در باکو آغاز نموده و رسانه اسرائیلی اورشلیم پست در گزارش ۲۰۱۲ خود از جمهوری باکو به عنوان یک مرکز جاسوسی علیه ایران یاد کرده است. خبرگزاری تایمز به نقل از یک مامور اطلاعات اسرائیل نوشت که کشورهای اوراسیایی یک دروازه‌ی ورودی برای جاسوسی در ایران محسوب می‌شوند. لذا می‌توان تصریح کرد که آذربایجان یکی از مهم‌ترین متحدان اسرائیل بر اساس طرح پیرامونی جدید به شمار می‌آید.

۴- سوخت جنگنده‌های اسرائیلی را کدام کشورها تأمین می‌کنند/ خبرگزاری فارس. ۱۳/۸/۱۴۰۲

۵- خبرگزاری اعتماد. ۱۱/۸/۱۴۰۲

تمرینهای فکری و مهارتی

- دانش آموز باید بتواند دلایل و انگیزه های اسرائیل برای متحد شدن به برخی از کشورها خاورمیانه را توضیح دهد.
- دانش آموزان باید بتوانند دلایل به هم خوردن اتحاد بین ایران و اسرائیل را توضیح بدهند.
- دانش آموزان باید بتوانند اتحاد پیرامونی جدید اسرائیل را توضیح بدهند و نقش ایران را در این استراتژی مشخص کنند؟
- دانش آموزان باید بتوانند انگیزه های متقابل آذربایجان و اسرائیل را برای اتحاد و معاملات اقتصادی را نام ببرد.



وزارت
تعلیم و
تحقیقات
جمهوری
اسلامی
ایران

وزارت آموزش و پرورش
معاونت پرورشی و فرهنگی



مرکز ملی
تحقیق و
توسعه
آموزشی
و
پرورشی
۱۳۶۲